



نگارنده : فاتح سامع

**20/03/2023**

برآمد باد صبح و بوی نوروز  
به کام دوستان و بخت پیروز  
مبارک بادت این سال و همه سال  
همایون بادت این روز و همه روز  
سعدی

## 21 مارچ مصادف است با نو روز باستان

نوروز نخستین روز سال خورشیدی برابر با اول ماه حمل در افغانستان و تاجیکستان و یکم ماه فروردین در ایران است. جشن آغاز سال نو از کهن‌ترین جشن‌های به جا مانده از دوران ایران باستان ، خراسان و افغانستان امروز است. خراسان قدیم و آریانا حوزه بزرگ فرهنگی و قلمرو وسیع را شامل می شود که شامل عراق ایران و آسیای میانه ، نیم قاره هند می باشد. نوروز را از سالیان قدیم تا امروز جشن می گیرند. آغاز بهار که آن را برابری بهار نیز میگویند.

**منشأ و پیدایش نو روز :** نوروز یک جشن قدیمی و کهن از اقوام متعددی است که به ارث رسیده است. از آن به عنوان نماد پیوند دهنده ی افراد و اقوام در کشور های که نام برده شد یاد می شود. نوروز، با عنوان رسمی «روز بین‌المللی نوروز» توسط یونسکو به عنوان میراث فرهنگی و معنوی بشر به ثبت جهانی رسیده است.

همچنین در شاهنامه درباره نوروز اینگونه نوشته شده است:  
جمشید در حال گذشتن از آذربایجان بوده است که دستور می دهد برایش تختی

قرار دهند، سپس با تاجی پر زرق و برق روی آن تخت می نشینند و با تابش نور خورشید به آن تاج زرین، روشنایی و نور فراوانی دنیا را فرا میگیرد و به خاطر شادمانی مردم آن روز را نوروز می نامند.

**آداب و رسوم عید نوروز:** این روز در ایران و افغانستان نوید دهنده سال جدید است. نوروز در کشورهای مثل تاجیکستان، ترکمنستان، هند، پاکستان، قرقیزستان، سوریه، عراق، گرجستان، جمهوری آذربایجان، آلبانی، چین و ازبکستان تعطیل رسمی است و مردم به جشن و پایکوبی می پردازند.

ما این جشن باستانی و کهن را از اقوام مختلفی در منطقه به ارث برده ایم. جشنی که با رنگ و بویی ویژه، هویتی حوزه بزرگ تمدنی و فرهنگی گرفته و نماد پیوند اقوام و مردمان مختلف است. نوروز را شروع رستاخیر طبیعت، موعد رویش و تولد نباتات می دانیم و باورمان بر این است که همگام با طبیعت، ما نیز باید روزگار نو و تازه ای را با روح و روان تازه و پوشیدن لباس نو آغاز کنیم.

شروع جشن نوروز با اعتدال بهاری همزمان است. موعدی که خورشید در حرکت ظاهری اش در ابتدای برج حمل، استوای زمین را قطع می کند و ساعات روز و شب با هم برابر می شود. در تقویم خورشیدی، لحظه تحویل سال، اولین روز (هرمز روز یا اورمزد روز) از ماه فروردین شمرده می شود.

**نو روز نشان پیروزی:** در تاریخچه و آداب و رسوم عید نوروز آمده است که نوروز سمبول پیروزی خوبی بر بدی است. آبهای زیرزمینی را گرم نگه می دارد و با اینکار گیاهان و ریشه درختان را از مرگ نجات می دهد. گرما در بهار نمادی است از پیروزی خوبی بر بدی به همین علت جشن دعای مخصوص در مراسم نوروز را در زمان های باستان می خواندند،

در دوره سلجوقیان، به دستور شاه سلجوقی تعدادی از ستاره شناسان از جمله خیام برای بهبود تقویم ایرانی دعوت شدند، در آن زمان نوروز را اول بهار زمان وارد شدن آفتاب به ماه فروردین و آنرا اول سال نامیدند. این گاهشمار که به تقویم جلالی معروف شد، برای تثبیت نوروز در آغاز بهار، این طور وضع شد که هر چهار روز در سال یک بار و یا هر پنج سال یک بار تعداد روزهای سال بجای ۳۶۵ روز ۳۶۶ نظر گرفته شود. آغاز این تقویم از سال ۳۹۲ هجری بود. البته تعداد روزها معمولا ۳۶۵ روز و شش ساعت است که پس از چهار سال ۳۶۶ روز می شود و آن را سال کبیسه می نامند.

**آداب و رسوم عید نوروز:**

**چهار سنبله سوری:** مراسم نوروز از مجموعه‌ای از جشن‌ها و مناسبت‌ها تشکیل شده است. جشن نوروز ابتدا با آداب و رسوم چهار سنبله سوری شروع می‌شود. سپس نوبت به آخرین پنجشنبه سال و رفتن به مزار درگذشتگان می‌رسد. سومین برنامه که بیشتر در خراسان قدیم برگزار می‌شود مراسم الفه است این مراسم که در آرامگاه‌ها، قبرستان‌ها و مساجد بر پا می‌شود برای تکریم و احترام به گذشتگان است. طی این مراسم، شیرینی و کیک محلی (نان شیری، قطاب، گمک، حلوا و شربت) در کنار سبزه بر سر سفره گذارده می‌شود.

**خانه تکانی:** از دیگر آداب و رسوم عید نوروز در ایرانی افغانستان می‌توان به خانه تکانی اشاره کرد. اقوام و مردمی که نوروز را جشن می‌گیرند به این مناسبت نیز پایبند هستند. در تاریخچه و آداب و رسوم عید نوروز نظافت وسایل خانه و اسباب و اثاثیه گردگیری، شستشو و تمیز می‌شود. همچنین مردم کشورهای مثل افغانستان و تاجیکستان هم پیرو این رسم هستند.

**افروختن آتش:** از دوران کهن، در برخی مناطق رسم آتش افروختن نیز متداول بوده است. این رسم در ایران، آذربایجان و بخش‌هایی از افغانستان در قالب روشن کردن آتش در آخرین چهارشنبه سال در (همان چهارشنبه سوری) مرسوم بوده است.

**سفره عید نوروز ( هفت سین ) / هفت میوه:** در تاریخچه و آداب و رسوم عید نوروز پهن کردن سفره عید نوروز نیز آورده شده است. عناصر این سفره که در ایران سفره هفت سین نام دارد به دو نوع تقسیم می‌شوند:

عناصری که جنبه نمادین دارند: مثل سیر، سکه، سمنو، سبزه، قرآن و ... ❖ عناصری که جنبه خوراکی و پذیرایی از مهمان را دارند: مثل انواع و اقسام آجیل، شیرینی سنتی یا امروزی ❖ در قرن‌های گذشته، اکثر مردم فقط سالی یکبار می‌توانستند پلو بخوردند که آن هم شب نوروز بود. در این شب، همه یا اکثر مردم پلو می‌پختند و از این پلوی نوروزی برای فقرا، سلمان‌ها، حمامی‌ها، کدخدا و روحانی محل پیشکشی می‌بردند.

انداختن سفره نوروزی که در تاریخچه و آداب و رسوم عید نوروز هم به آن اشاره

شده است آداب و رسومی خاصی دارد و روی سفره وسایل دیگری از قبیل آیینه، شمع و آب نیز قرار میدهند. ماهی و تخم مرغ رنگی نیز در تاریخچه و آداب و رسوم عید نوروز دیده می‌شوند.

در افغانستان معمولاً هفت نوع میوه را یک هفته قبل در آب تر می‌کنند نرم می‌شود و آب شربین دارد. در این میوه‌ها عمدتاً خسته، پسته، بادام، چهارمغز (گردو)، هشتق (زردالوی خشک یا کشته)، سنجد، کشمش (ممیز) شامل می‌باشند

### **شرح معنای نمادین هفت نوع مخلوط:**

سبزه: از کاشت گندم حاصل می‌شود و نماد تولد دوباره‌ی طبیعت است. در افغانستان از سبزه سمنک و اسوانک تهیه می‌کنند. سمنو: خوراکی شیرین شبیه پودینگ که جوانه‌های گندم تهیه می‌شود و نماد لحظات شیرین زندگی است. سیب: سیب سرخ نماد زیبایی است.

سنجد: میوه‌ای شیرین به اندازه توت سفید است.

و نماد عشق می‌باشد

سیر: نماد سلامت است.

سماق: ادویه ایرانی که نماد رنگ سپیده‌دم قبل از طلوع خورشید و پیروزی نور بر تاریکی است.

سرکه: نماد صبر و کهن‌سالی است.

### **تاریخچه عید نوروز و جشن نوروز در ایران باستان:**

منشأ و خاستگاه نوروز به درستی معلوم نیست. در برخی از منابع آن را به بابلیان نسبت داده‌اند. بر این اساس، شروع برپایی جشن سال نوبه سال ۵۳۸ قبل از میلاد، یعنی زمانی که کوروش بزرگ به بابل حمله کرد برمی‌گردد. در برخی منابع هم زرتشت بانی این رسم معرفی شده است.

نوروز در دوره‌ی اشکانیان و ساسانیان هم گرامی بود. در دوره ساسانیان، جشن سال نو دست‌کم شش روز طول می‌کشید و به دو دوره نوروز کوچک و نوروز بزرگ بخش‌بندی شده بود. اسم دیگر نوروز کوچک، نوروز عامه بود و برای پنج روز، از یکم تا پنجم فروردین طول می‌کشید. روز ششم که به خردادروز مشهور بود، نوروز بزرگ یا نوروز خاصه نامیده می‌شد.

هر روزی که فرا می‌رسید، دسته‌ای از طبقات مردم به درگاه شاه می‌رفتند و شاه به حرف‌هایشان گوش می‌داد و برای حل و فصل مشکلاتشان دستوراتی صادر می‌کرد. در روز ششم فقط نزدیکان شاه بار داده می‌شدند.

## مراسم بزرگداشت از نوروز در خراسان / افغانستان

در هفته اول حمل که آغاز سال نو خورشیدی است جشن نوروز در افغانستان برگزار می‌شد. مردم در خانواده‌ها، روستاها، شهرها و استان‌ها نوروز را جشن می‌گرفتند. خانه‌تکانی، سبزه لگد کردن، سمنک پختن، گشت و گزار در مزارع، دامان تپه‌های سرسبز، چمنزارها و باغ‌ها رواج داشت. مردم بالای گورهای گذشتگان می‌رفتند دعای می‌کردند، برای مورچه‌ها ارزن پاش دادند. خیرات و صدقه می‌دادند. مردم لباس‌های تمیز و نو می‌پوشیدند. در کابل جشن نوروزی در تپه سلام و جمال مینه زیارت سخی معروف به مقبره (نظر گاه) خلیفه چهارم حضرت علی کرم الله وجهه برگزار می‌شد. چ‌افراشتن جنده‌ای سخی با شکوه بزرگ در حضور هیات عالی‌رتبه دولتی برگزار می‌شد، مردم از نقاط مختلف شهر کابل با خانواده‌ها و کودکان، جوانان و نو جوانان ملبس به لباس نو، واسکت‌های قرص و وچرمک دوزی به رنگ‌های مرغوب سبز و سرخ آبی حضور می‌یافتند. صدای موسیقی در سراسر کوه و تپه سخی طنین انداز بود. فضا شغف انگیز و دلپذیر می‌شد. کودکان از سواری بالای اسپک‌های چوبی که بطور دایروی در یک محور حرکت می‌کرد لذت می‌بردند. همچنان کودکان و جوانان از سواری بالای صندوق‌های که بطور عمودی در خط بیضوی در حرکت آورده می‌شد شغف انگیز و دلپذیر و مایه شادمانی بود. سازمان‌های بازی به نام غرگرانک، گودی کنجی و غیره برای کودکان به فروش می‌رسید. ماهی و جلبی و خوراک‌های شیرین در هر جای فراوان دیده می‌شد، خانواده‌ها ماهی و جلبی می‌خریدند و در همان جای می‌خوردند و هم با خود می‌بردند.

همچنان مراسم جشن دهقان بر گزار می‌شد، دهقان‌های شش گروهی و اطراف کابل مانند چهاردهی، پغمان، ده سبز، کمری، قلعه مراد بیک با نمایش کاو‌های قلبه‌ای و مواشی که تربیه کرده بودند در حالیکه بر گردن و پای‌های و کمر مواشی خود را با تکه‌های رنگه ملبس می‌کردند بطور رسم و گذشت حرکت می‌کردند. گاو‌های شیری و گاوهای قلبه‌ای، گوساله‌های خوشگل و قوی هیکل از طرف وزارت زراعت جایزه نقدی داده می‌شد. همچنان دهقانان با رقص واتن در حالیکه بیل‌های خود را بدست داشتند استقبال از نوروز را گرمی میداشتند و انگیزه و تحرک برای کار و فعالیت بیشتر در سال روان در اذهان تداعی می‌کردند.

جشن نو روزی بطور عنعنوی از سال های متمادی در مزار شریف معروف به میله گل سرخ با افزایش جنده سخی بر گزار می شد، مردم از نقاط مختلف کشور برای شرکت و تماشای به آنجا می رفتند. نو روز در سایر ولایات مانند ننگرهار، قندهار، هرات و غیره نیز جشن گرفته می شد،

**رقص ضرب میل:** در روز نوروز نمایش جالب حرکات پهلوانی با رقص ضرب میل اجرا می شد. پهلوان ها در حالیکه گرز های بزرگ چوبی به وزین تقریباً پنجاه کیلوگرام را که از چوب سخت چهار مغز، بلوط و صنوبر را ساخته شده بود بر شانه حمل می کردند و رقص می نمودند می نشستند و بلند می شدند. میل های چوبی بطور استوانه شکل با سر کلان و مدور ساخته شده بود، پهلوان ها با سهولت و مهارت تام از یک شانه در حالیکه با یک دست آنرا محکم می گرفتند به شانه و دست دیگر حرکت می دادند و با آن رقص می نمودند. این حرکات و نمایش را رقص ضرب میل می نامیدند.

**سمنک یزی ( خلوتی سمنک )** یکی از مراسم مربوط به نوروز باستانی معمول در خراسان قدیم و افغانستان امروز است.

حلوای سمنک را معمولاً در یک خانه پخته می شود. همه همسایه ها یکجا گردهم می آیند و ساعت ده شب زیر دیگ آتش زده می شود. زنان دوردور آن قرار گرفته همان خواندن مشهور فولکلوریک ( سمنک در جوش ما کفچه زنیم ) را می سرایند. زمانی که سمنک پخته شد آتش زیر دیگ را بیرون میکنند تا سمنک سوخته به دیگ نچسپد. بالای دیگ را با سر پوش و چیزی دیگر می پوشانند که اصطلاحاً دم می اسطوره های قدیم در مورد حاکمیت که: " در زمان های قدیم زمانیکه دیگ. "مانند. را "دم میماندند" زنان داخل خانه در یک حلقه ی دور می نشستند و یک طفل را همراه با یک چاینک در وسط آن حلقه می نشانند. چاینک را پر از آب میکردند و هر کدام شان در داخل چاینک نیت کرده یک مهره یا یک انگشتر می انداختند. هر کدام از آنها شروع به خواندن دو بیت محلی میکردند، در ختم هر دو بیت همان طفل از چاینک یکی از مهره ها را بیرون میکرد. مهره ی هرکسی که بیرون می شد، همان بیت قبلی در واقع بخت صاحب انگشتر شمرده می شد و او می باید دوبیتی می "سرود.

صبح آن روز همه با هم به صورت دسته جمعی دعا میکنند و سر پوش دیگ را باز کنند. سطح سمنک داخل دیگ نسبتاً موج دار و نا منظم به نظر میرسد، زنان آن را به سان پنجه ی بی بی مریم و جای پای فرشته های آسمانی تشبیه میکنند، و وانمود میکنند که گویا خدای تعالی به آنها لطف کرده و مشکل آنها را حل می کند. حلوای سمنک را بعداً به خانه همسایه های نزدیک توزیع می کنند. اعضای خانواده نیز از آن سمنک تناول میکنند. مردم معتقد اند که حلوای سمنک مقدس است.

نوروز و بهار در حد بسیار گسترده‌ی در ادبیات فارسی دری تبارز کرده است و هیچ شاعری نیست که غزلی یا قطعه به بهار نسروده باشد.

## سرود سمنک

سمنک درجوش ما کفچه زنیم  
د یگرا ن در خواب ما دفچه زنیم  
سمنک نذر بهار است  
میله شب زنده دار است  
این خوشی سال یکبار است  
تا سال دیگر یا نصیب

سمنک د رجوش ما کفچه زنیم  
د یگرا ن در خوا ب ما دفچه زنیم  
آرزو امشب خرو شد ،  
سمنک در خود بجوشد،  
د لخوشی جامه بپوشد  
تا سال دیگر یا نصیب  
سمنک د رجوش ما کفچه زنیم  
د یگرا ن د رخوا ب ما دفچه زنیم

ا این گل فصل بهاران ،  
د لخوشی دارد هزاران  
خا صه برشب زنده داران ،  
تا سا ل د یگرا یا نصیب  
سمنک د رجوش ما کفچه زنیم  
د یگرا ن د رخوا ب ما دفچه زنیم

بیشکر شیرینی دارد  
خود بخود رنگینی دارد  
طعم خوشی چون فرنی دارد  
تا سا ل د یگرا یا نصیب  
سمنک د رجوش ما کفچه زنیم  
د یگرا ن د رخوا ب ما دفچه زنیم

خوش نماید رو به جوشش  
د ید نی با شد خر و شش

سا جقک دا رد به دوشش  
تا سال د یگریا نصیب  
سمنک د رجوش ما کفچه زنیم  
دیگران د خواب ما دفچه زنیم

شا هد عیش بها را ست  
موجود شرو شرا را ست  
وسعت هرگیرو دا را ست  
تا سال د یگریا نصیب  
سمنک د رجوش و ما کفچه زنیم  
دیگران در خواب ما دفچه زنیم

### **جشن نوروز در سفر نامه های مستشرقین:** انگلبرت کمپفر در دوره‌ی شاه سلیمان

صفوی به ایران سفر کرده بود. او در بخشی از سفرنامه خود درباره عید نوروز می‌نویسد: «نوروز از آداب و رسوم ایرانیان قدیم به جا مانده است و هنوز هم بزرگترین و درخشان‌ترین جشن ایرانیان به شمار می‌رود. همه در این روز لباس نو می‌پوشند. دوستان و آشنایان به دیدن یکدیگر می‌روند، مهمانی‌ها برپا می‌شود و به تفریح می‌پردازند. مادام کارلا سرنا - هم در سفرنامه‌ی خود علت برگزار نشدن مراسم سلام نوروزی در یکی از سال‌های زمان زمان ناصرالدین شاه قاجار را چنین بیان می‌کند: " شاه در این باره هم خواسته یا ناخواسته نظر منجم باشی را خواسته بود و او به علت نزدیکی ستاره‌ها (قران کواکب) یا قمر در عقرب بودن، روز دوم نوروز را برای برگزاری مراسم سلام مناسب تشخیص داده بود."

### **مراسم عید نوروز در دوران معاصر:** نوروز در ایران و افغانستان، تاجیکستان و

کشور های قبلا نتم برده شد به شکل متناوب، جشن گرفته می‌شد. پس از فروپاشی جماهیر شوروی، کشورهای نظیر قرقیزستان، آذربایجان و سپس دیگر کشورهای هم این عید را جشن ملی خود اعلام کردند.

**در دوران شوروی برگزاری این جشن ممنوع اعلام شده بود. به همین دلیل اقوام**

**مختلف مخفیانه این جشن را برپا می‌کردند.**

**از طرفی، مردم برخی از مناطق برای متقاعد کردن مقامات محلی، نام‌هایی دیگر**

**برای جشن سال نو انتخاب می‌کردند. مثلا در تاجیکستان سعی کردند با انتخاب نام**

**«جشن لاله» یا جشن ۸ مارچ بدون مخالفت دولت مرکزی نوروز را پاس بدارند.**



## در افغانستان زیر اداره گروه طالبان به دلیل رسمیت داشتن تقویم قمری، کسی حق برگزاری جشن سال نو را نداشت.

ترکیه هم تا قبل از سال ۲۰۰۰ این جشن را که برای کردها همچون نماد نیرومندی از هویتشان بود ممنوع کرده بود. خوشبختانه در سال‌های اخیر، نوروز جهانی شده است. مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ با تصویب قطعنامه‌ای، ۲۱ مارچ برابر اول فروردین را روز جهانی نوروز نام گذاری کرد. سازمان علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو)، این جشن باستانی را به‌عنوان میراث جهانی به ثبت رساند. مجمع عمومی سازمان ملل، نوروز را در تقویم خود ثبت کرده است.

**جملی کاری** هم که اتفاقاً پس از کمپفر به ایران سفر کرده بود می‌نویسد: «در نوروز بزرگان برای عرض تبریک به حضور شاه می‌رسند و نسبت به وسع و امکان خود سکه‌های زرین و هدایایی تقدیم می‌کنند. خان‌هایی که به علت دوری راه نتوانند به حضور شاه برسند، با چند تن از غلامان و کنیزان خود که لباس فاخر بر تن می‌کنند، هدیه عیدانه خود را به پیشگاه شاه می‌فرستند. ایرانیان در این روز لباس نو می‌پوشند. زیرا معتقدند کسی که سال نو را با لباس کهنه آغاز کند، از خوشی‌های تازه سال جدید بی‌بهره خواهد ماند. از دیگر مراسم عید، یکی هم آماده کردن انواع غذاهای لذیذ در خانه‌ها و پذیرایی گرم از دوستان و آشنایان است.»



ز کوی یار می‌آید نسیم باد نروزی  
از این باد آر مدد خواهی چراغ دل برافروزی  
به صحرا رو که از دامن غبار غم بیفشانی  
به گلزار آی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی  
خافظ



اندر دل من مها دل افروز تویی  
یاران هستند و لیک دلسوز تویی  
شادند جهانیان به نوروز و به عید  
عید من و نوروز من امروز تویی  
"مولانا"



بهاری داری ازوی بر خور امروز  
که هر فصلی نخواهد بود نوروز  
گلی کو را نبوید آدمی زاد  
چو هنگام خزان آید برد باد  
"نظامی گنجوی"



بر خیز که باد صبح نوروز  
در باغچه می کند گل افشان  
خاموشی بلبلان مشتاق  
در موسم گل ندارد امکان  
"سعدی"



## به پیشواز بهار

چشم وا کن، رنگ اسراری دگر دارد بهار  
آنچه در وهمت نگنجد، جلوه‌گر دارد بهار

ساعتی چون بوی گل از قید پیراهن برآ  
از تو چشم آشنایی این قدر دارد بهار

کهکشانشان هم پایمال موج طوفان گل است  
سبزه را از خواب غفلت چند بردارد بهار؟

از صلاهی رنگ عیش این چمن غافل مباش  
پاره‌هایی چند بر خوان جگر دارد بهار

چشم تا وا کرده‌ای، رنگ از نظرها رفته است  
از نسیم صبح، دامن بر کمر دارد بهار

بی فنا نتوان گلی زین هستی موهوم چید  
صفحه ما گر زنی آتش، شرر دارد بهار

از خزان آینه دارد صبح تا گل می‌کند  
جز شکستن نیست، رنگ ما اگر دارد بهار

ابر می‌نالد کز اسباب نشاط این چمن  
هرچه دارد، در فشار چشم‌تر دارد بهار

از گل و سنبل به نظم و نثر سعدی قانع‌ام  
این معانی در گلستان بیشتر دارد بهار

موبه مویم حسرت زحمت تبسم می‌کند  
هرکه گردد بسلمت، بر من نظر دارد بهار

زین چمن «بیدل» نه سروی جست و نی شمشاد رُست  
از خیال قامتش دودی به سر دارد بهار

### وصف بهار

منتظران بهار فصل شکفتن رسید

مژده به گلها برید یار به گلشن رسید

لمعه مهر ازل بر در و دیوار تافت

جام تجلی به دست نور ز ایمن رسید

نامه و پیغام را رسم تکلف نماند

فکر عبارت کراست معنی روشن رسید

عشق ز راه خیال گرد الم پاک رفت

خار و خس وهم غیر رفت و به گلخن رسید

صبر من نارسا باج ز کوشش گرفت

دست به دل داشتم مژده دامن رسید

عیش و غم روزگار مرکز خود و شناخت

نغمه به احباب ساخت نوحه به دشمن رسید

مطلع همت بلند مزرع اقبال سبز

ریشه به نخل آب داد دانه به خرمن رسید

زین چمنستان کنون بستن مژگان خطاست

آینه صیقل زنید دیده به دیدن رسید

بردم از این نوبهار نشئه عمر دوبار

دیده‌ام از دیده رست دل به دل من رسید

سرو خرامان ناز حشر چه نیرنگ داشت

هر چه ز من رفته بود با به مسکن رسید

بیدل از اسرار عشق هیچکس آگاه نیست

گاه گذشتن گذشت وقت رسیدن رسید

بیدل دهلوی